

بررسی دلایل افت سطح کیفی لیگ بر تر در گفت‌وگوی «جوان» با جلال چراغپور، کارشناس فوتبال

# فوتبال ما شانسی است و با فکر شکل نمی‌گیرد

**گفت‌وگو**  
**شیوا لاوروزی**

می‌گذرد، اما به جای حرفهای شدن و بالا رفتن سطح بازی‌ها، کیفیت تیم‌ها و بازی‌هایشان روندی نزولی طی کرده‌است. درحالی‌که هواداران فوتبال انتظار دیدن بازی‌های تماشاگر‌پسند را از تیم‌های محبوب‌شان دارند، تیم‌های پر طرفدار و قطب‌های فوتبال کشور بازی‌های بی‌کیفیتی ارائه می‌دهند و این شرایط در لیگ‌امسال که حالا به نیم‌فصل آن هم رسیده‌ایم، بیشتر از هر زمان دیگری به چشم می‌آید. برای بررسی این موضوع پای صحبت‌های جلال چراغپور نشستیم و این کارشناس فوتبال دانش‌پایین‌مربیان داخلی و عدم توانایی کمیته آموزش فدراسیون فوتبال در تربیت مربیان را علل اصلی افت فوتبال باشگاهی عنوان کرد.

**از زبایی و نظر تان در خصوص کیفیت این فصل لیگ برتر چیست؟**  
برای بررسی کیفیت لیگ باید کل بازی‌ها را بررسی کرد. کیفیت یا همان Quality به‌عناصر چندگانه بستگی دارد. دانش مربیان (Knowledge of The Game) در رأس این‌عناصر قرار دارد. متأسفانه دانش مربیان ما دچار مشکل است. حداقل ۳۰ سال است که تمام مربیان ایرانی برای گذراندن کلاس‌های مربیگری و گرفتن مدرک A و B آسیا تنها دو جزوه Coaching A و Coaching B را مطالعه کرده‌اند. پایه تمام محتوای مربیگری فوتبال کشورمان در سه دهه گذشته همین دو جزوه بوده‌است. آیا انتظار دارید افرادی که با خواندن این دو جزوه مربی شده و الان مشغول به کار هستند، از نظر کاری با هم تفاوتی داشته باشند؟ همه مربیان ما مثل هم کار می‌کنند و در واقع برای دیگری حرف‌نویی ندارند. به همین ترتیب بازیکنان‌با تغییر تیم هیچ حرف جدیدی نمی‌شنوند و در تیم‌ها به‌رغم تغییر کادرفنی هیچ کار نویی انجام نمی‌دهند. فلاَن مربی در یک تیم ضعیف بوده و در تیم بعدی‌اش نیز همان شیوه را پیاده کرده و همان نتایج تکرار شده‌است. پتانسیل در گردش فوتبال ما به یک حد ثابت رسیده و باید بگوییم به فلات دانش فوتبال رسیده‌ایم. همه مربیان در یک سطح هستند.

**متدهای تکراری آموزشی چه تأثیری در پایین بودن دانش مربیان دارد؟**  
دروس کلاس‌های مربیگری، مدرسین و جزوات آنها ثابت‌است. درحالی‌که مربیان با دانش مربیگری فوتبال‌نیاز دارند، نه دانش فوتبال. بین «چگونه تمرین» دادن و «چه تمرین» دادن تفاوت وجود دارد. چگونه تمرین دادن را در کلاس‌ها آموزش می‌دهند، ولی «چه تمرین» دادن در فوتبال مانایب شده‌است. کارت مربیگری به‌سادگی صادر می‌شود، ولی دانش لازم را به مربیان انتقال نمی‌دهند. در این کلاس‌های آموزشی به مربیان دانش چگونگی انتقال استراتژی‌های حمله یا دفاع به بازیکنان و تیم را آموزش نمی‌دهند. به همین خاطر فوتبال ما به جای اینکه با مزم و فکر شکل بگیرد، در دین و تماشای بازی‌های خارجی از تلویزیون، نگاه کردن به اسلایدها و فیلم‌هایی که در اینترنت است، شکل می‌گیرد.



**با این حساب دلیل اصلی افت کیفیت مسابقات لیگ، پایین بودن دانش مربیان داخلی است؟**

قطعاً. اگر بخواهیم مشکلات را به شکل اساسی حل کنیم، باید کارهای زیادی انجام شود. کمیته آموزش فدراسیون فوتبال اول باید دو جزوه مربیگری را به دو جزوه قبلی اضافه کند، اما این دو جزوه جدید را چه کسی قرار است تدریس کند؟ باید ۲۰ مدرس هم تربیت شوند. پس در همین گام نخست باید ۲۰ – ۳۰ مدرس قدیمی بازنشسته شوند تا نسل جدید مدرسانی که زبان انگلیسی

بدانند، حداقل فوق‌لیسانس داشته باشند، جوان باشند و تجربه فوتبالی داشته باشند، روی کار بیایند. متأسفانه مدرسین مربیگری فعلی بازنشسته همه‌جا هستند، الا کمیته آموزش فدراسیون بعداز



آن محتوای کلاس‌ها نیز باید تغییر کنند. البته این فقط مشکل ایران نیست، بلکه به سیستم آموزش AFC نیز باید ایراد گرفت.

**به نظر شما رئیس جدید فدراسیون می‌تواند تغییری در شیوه آموزش مربیان ایجاد کند؟**

هر کسی که در انتخابات پیش رو به‌عنوان رئیس جدید فدراسیون انتخاب شود، اگر در چهار سال یا حتی هشت‌سالگی که پیش رو دارد، دنبال تغییر در محتوا، کیفیت، ساختار و زیربنای آموزش رفت، می‌توان منتظر بروز تغییرات در فوتبال کشورمان باشیم. مری که ۲۲ سال است در لیگ روی نیمکت بوده و هر سال هم پول خوبی به جیب زده عملاً زده‌ی برای فوتبال نداشته‌است، اما دروازه‌بانی که تازه مربی شده تیم همان مربی را شکست می‌دهد، این یعنی اینکه



فوتبال ما شانسی است و فرقی نمی‌کند چه کسی سرمربی است. با اصلاً تیم سرمربی نداشته باشد؛ مثل زمانی که استراماچونی از استقلال رفت، و رویا غفوری تیم را به زمین فرستاد و استقلال به همین شیوه دو پیروزی به دست آورد، مهدی رحمتی بعد از رفتن به تیم شهرخودرو سرمربی این تیم شد یا نوبیذ کیا اقتدر منتظر ماند تا سرمربی سپاهان شد. یا اینکه از دسته یک مربی به لیگ برتر بیاورید.

**مربی ایرانی یا خارجی که دانش فنی بالایی داشته باشد، می‌تواند در فوتبال کشورمان موفق شود؟**

خیر، در فوتبال برای موفقیت به ابزار نیاز دارید و این ابزار همان فوتبالیست‌ها هستند. بازیکنان ایرانی هفت کیلومتر در زمین می‌دوند، درحالی‌که در فوتبال دنیا آمار دوندگی بازیکنان بیش از ۱۱ کیلومتر است. خارجی‌ها پنج کیلومتر بدون توپ می‌دوند، اما اینجا بازیکن بدون توپ در زمین راه نمی‌رود، چه برسد به دویدن. بازیکن ایرانی اگر دو متر توپ جلوتر از پایش به او برسد، به هم تیمی‌اش اعتراض می‌کند. استراتژی‌هایی از جمله دویدن رو به جلو، دویدن بدون توپ و خلق فضا در لیگ ما وجود ندارد. به همین خاطر فوتبال ما آسان است و هر کسی یک لب‌تاپ می‌آورد و بدون اینکه درس فوتبال را خوانده باشد، می‌گوید مسن آنالیزورم. هر آنالیزوری فکر می‌کند اگر پاس‌ها و شوت‌ها را یادداشت کند، فوتبال را بلد شده‌است. در نتیجه اگر فدراسیون و شیوه آموزش مربیان تغییر کند، باید زیرساخت فوتبالیست‌ها را نیز عوض کرد.

نگاهی گذرا به ۱۳ هفته بی کیفیت لیگ بیستم

## از تفکر دفاعی مربیان و بازی‌های کم گل تا جدول بی ثبات



روی کیفیت لیگ تأثیر خواهد گذاشت. اگر چه در این

بین سپاهان یا نویدکیا تا به اینجای کار خوب نتیجه گرفته‌است، اما تجربه ثابت کرده جوجه را آخر پاییز می‌شمارند. ضرب‌المثلی که در خصوص گل‌بهر و صدرنشینی‌هایش به وضوح دیده شد. آن هم نه با یک مربی اولی که با یکی از باتجربه‌ترین مربیان لیگ. با این‌وجود منع استفاده از مربیان خارجی هم در پایین آمدن سطح کیفیت لیگ بیستم بی‌تأثیر نیست. لیگی که طی سال‌های قبل تجربه حضور نفراتی چون برانکو، کالدرون، کرانچار، استراماچونی، دنیزی و شفر را داشت، حالا محل کسب تجربه مربیان جوان شده و همین دلیل به تنهایی برای داشتن صبرایوب جهت تماشای بازی‌های لذت‌بخش و تماشای لیگی

## پرونده

بررسی علل پایین بودن سطح کیفی لیگ برتر

یکشنبه ۱۹ بهمن ۱۳۹۹ | ۲۴ جمادی‌الثانی ۱۴۴۲

نگاه

### از این «توپ بازی» توقع کیفیت بی‌جاست

**فریدون حسن**

پاسخ به این سؤال که چرا کیفیت بازی‌های لیگ برتر فوتبال در این فصل پایین آمده‌است، زیاد سخت نیست. فقط کافیسیت که خوب نگاه کنیم تا ببینیم که چگونه در همین لیگی که توقع خوب بودن و بسه بودن از آن را داریم، همه در حال پرخاشگری و پریدن به هم هستند. مربیان و کادر فنی تیم‌ها به نوعی و بازیکنان و هواداران به نوعی دیگر. می‌گویند در فوتبال حرفه‌ای دنیا رسم بر این است که تمامی عناصر درگیر یک تیم با مسابقات از خواب کافی شبانه برخوردارند. نمونه‌های بسیار زیادی را هم می‌توان مثال زد؛ از کنترل شدن بازیکنان تیم‌های گواردیولا توسط خودش تا سخت‌گیری‌های سر آلکس فرگوسن در منچستر یونایتد یا کلوب در لیورپول و فلیک در بایرن مونیخ، اما اینجا در فوتبال ما شرایط کاملاً متفاوت است. اینجا سرمربیان تیم‌ها تازه ساعت ۱۱ شب در برنامه‌های زنده تلویزیونی حاضر می‌شوند و برای رقبا شاخ و شانه می‌کشند؛ تازه اگر موفق به حضور در برنامه نشوند، منتظر تماس تلفنی عوامل برنامه می‌مانند تا تکند از ماجرا عقب بمانند و میدان حاشیه‌سازی را به حریف واگذار کنند.

خب‌ب از بازیکن تیمی که سرمربی‌اش به‌جای کنترل او در شانه‌روز فکر کل کل کردن با رقبا و بنی‌ش قبر کردن افتخارات خاک خورده ده‌ها سال پیش است یا اینکه برنامه‌ریزی مناظره با جریان مخالف خود را در باشگاه می‌کند، چه توقعی می‌توان داشت؟ از بازیکنان تیمی که مربی‌اش بیشتر از آنکه به فکر تربیم ضعف‌های فنی او باشد، مدعی است که باید کل فوتبال کشور و فدراسیون را به او سپارند تا اصلاحش کند، آیا می‌توان توقع ارائه فوتبال جذاب را داشت؟ یا از بازیکنی که سرمربی‌اش فقط در حال گل‌لوزی شدن یا داوران است چه؟

واقعیت این است که «از کوزه همان برون تراود که در اوست» فوتبال باشگاهی ایران روزبه‌روز عقبگرد می‌کند، چون از درون نهی است، چون آنها که باید چیزی برای ارائه کردن داشته باشند و به بازیکنان یاد بدهند، خود هنوز محتاج یادگیری هستند و فرسنگ‌ها با آنچه باید باشند، فاصله دارند. در این آشفته‌بازار تکلیف بازیکنان هم مشخص است، بازیکنانی که از حرفه‌ای بودن فقط پول گرفتن آن را خوب یاد گرفته‌اند و با این وضعیت و نبود نظارت از سوی باشگاه، سرمربیان و مربیان باید هم آنها را با از قهوه‌خانه‌ها و قلیان‌سرا جمع کرد یا از پارتنری‌های شیشه‌، حالا شما بگویید آیا می‌توان از این فوتبال با این عناصر توقع حرکت رو به جلو داشت؟ آیا وقتی تمام هم و غم فوتبالی‌ها به‌جای امور فنی و حرفه‌ای و تکنیک و تاکتیک روز فوتبال فقط حرف زدن و حاشیه‌سازی است، می‌توان انتظار داشت که فوتبال زیبا و چشم‌پزودید؟

کیفیت فوتبال باشگاهی ایران پایین است، چون اصلاً فوتبالی بازی نمی‌شود که بخواهیم از آن سراغ کیفیت را بگیریم؛ آنچه مشاهده می‌شود فقط «توپ بازی» عده‌ای است که بابت آن هم میلیارد میلیارد پول کشور را به جیب می‌زنند. پس بیهوده به دنبال کیفیت خوب و لیگ پویا و حرفه‌ای نباشید.

بازتاب



### خارجی با کیفیت آنها

#### خارجی بی کیفیت ما

**حامد قهرمانی**

ارتباط با دنیای حرفه‌ای فوتبال و بهره‌گیری از دانش روز مربیان و کارشناسان برجسته این رشته یکی از عوامل اصلی رشد و ارتقای سطح فوتبال در کشورهاست. نگاهی گذرا به لیگ‌های برتر فوتبال دنیا این مسئله را ثابت می‌کند. به‌عنوان مثال می‌توان به لیگ برتر انگلستان اشاره کرد. با اینکه این کشور در زده ملی توقعی چندانی کسب نمی‌کند، اما همواره تیم‌های باشگاهی انگلستان از اصلی‌ترین قدرت‌های فوتبال قاره اروپا محسوب شده و می‌شوند؛ چرا که مربیان برجسته فوتبال باشگاهی اروپا و جهان به همراه ستاره‌های دنیای فوتبال در لیگ برتر جزیره حضور دارند. این موضوع را می‌توان در لیگ‌های اسپانیا، آلمان، فرانسه و حتی برتغال هم دید.

در فوتبال ایران اما از آنجا که بحث تلخ دلالی و زدوبندهای مربوط به آن در این قضیه هم مانند بسیاری از مسائل دیگر دیده می‌شود، بنابراین به‌جای بهره‌گیری از مربیان کارآمد خارجی با بازیکنان با کیفیت با موجی از آدم‌های از زده خارج و فاقد دانش انگشت‌شماری هم با فوتبال ایران نهاده و کارنامه قابل قبولی هم از خود به‌جا گذاشته‌اند، اما حجم حضور خارجی‌های بی‌کیفیت تا جایی بالا رفت که برای لیگ‌امسال مجبور به اعمال قانون منع به کارگیری مربیان و بازیکنان جدید خارجی شدیم تا حداقل اگر سطح فوتبال‌مان بالا نمی‌رود، هزینه‌های گزاف میلیاردری نیز بالا نیاید.

بدون شک ضربه‌ای که فوتبال باشگاهی از این امر می‌خورد ضربه‌ای قابل توجه‌است. ضربه‌ای که اثرات آن را در همین نیم فصل گذشته لیگ بیستم به وضوح می‌توان دید. سطح دانش پایین مربیان و مربیان بازیکنان و بازیکنان جوانی که روزبه‌روز در حال پرسفت هستند، اما خیاالشان راحت است که کسی جایشان را نمی‌گیرد. بنابراین به نظر می‌رسد برای راهی از این بحران باید سازوکاری درست تعریف شود تا باز هم شاهد حضور بازیکنان و مربیان با کیفیت و دانش خارجی به دور از رانت و دلالی در فوتبال باشیم که اگر این اتفاق رخ ندهد، چیزی از فوتبال باشگاهی باقی نخواهد ماند.

که کیفیت آن رضای‌کننده باشد، کافی است. **نبود مهاجمان با کیفیت**  
در کنار تفکرات دفاعی مربیان در لیگ بیستم که بازی‌های کم گل را در پی داشت، نبود مهاجمان با کیفیت نیز مزید بر علت شده‌است تا سطح کیفی بازی‌های لیگ دستخوش تغییرات شود. این مسئله همواره یکی از ایرادهای وارده به فوتبال ایران بوده‌ است. بسیاری بر این باور بودند که استفاده از مربیانی که خود در خط دفاع بازی کرده‌اند، دلیل مشخص نداشتن مهاجمان با کیفیت است. مهاجمانی که در بسیاری از موارد شاهد حضور کم‌فروغ آنها در لیگ داخلی هستیم، اما به محض لژپورن شدن به ستاره‌هایی بی‌بدیل تبدیل می‌شوند. مسئله‌ای که

میدون عدم نتیجه‌گیری دیگر مدعیان است!